



بر خورد می‌کنند و من فکر می‌کنم که باید زنان بیشتری رشته مدیریت بخوانند.

در حال حاضر به عنوان یک زن تقریباً کامل در عرصه هنر، چه زنانی مد نظر تان هستند و کدام‌ها را شایسته‌ی توجه می‌بینید؟

در عرصه سینما می‌توانم به رخشان بنی اعتماد، پوران درخشنده و به طور کلی تمام خانم‌هایی اشاره کنم که در این سال‌ها از خلاقیت، عشق ورزیدن، خلق کردن و آفرینش خسته نشدند و ادامه دادند. در زمینه شعر زنده یاد سیمین بهبهانی اینطور بودند. در سینما زنان نسل اول، دوم و سوم ما پایه پای هم کار می‌کنند و حتی بچه‌های دهه‌ی هشتاد در راه هستند که در حال حاضر فیلم کوتاه می‌سازند. من اگر بخواهم نام ببرم در هنرهای تجسمی، «بران درودی» را یکی از نوادر مثال‌زدنی می‌دانم که هرگز از آفرینش، زن بودن و اشتباهات خودش خسته و تسلیم نشد. گلاب آدینه نیز در بازیگری برای من همیشه مثال‌زدنی است. ایشان در این سن و سال هنوز در کلاس‌های خصوصی دانشجوی پرورش می‌دهد. کسانی مثل سیما تیرانداز، پانته بهرام و خیلی‌های دیگر حاصل آموزش گلاب آدینه هستند. در نویسندگی هم خیلی زیاد داریم، از گلی امامی که هنوز در خارج از کشور خستگی‌ناپذیر می‌نویسد تا خیلی از خانم‌هایی که در ایران رمان‌نویس‌های خوبی هستند و خستگی‌ناپذیر هم کار می‌کنند، برای مثال فریبا وفی. اینگونه خانم‌ها بسیار زیاد هستند و من نمی‌توانم یک یا دو نفر را نام ببرم.



در عرصه سینما می‌توانم به رخشان بنی اعتماد، پوران درخشنده و به طور کلی تمام خانم‌هایی اشاره کنم که در این سال‌ها از خلاقیت، عشق ورزیدن، خلق کردن و آفرینش خسته نشدند و ادامه دادند.

در نظر بگیریم باید بگویم که خبر، هنوز موقعیت برای آن‌ها همانطور و حتی سخت‌تر است. تنها کمکی که به این افراد شد فضای مجازی بود که توانستند مشاغل کوچک خانگی جور کنند و به لحاظ مالی مستقل شوند. بعضی از آن‌ها را می‌بینم که خیلی خوب در اینستاگرام کار می‌کنند و می‌فروشند. بنابراین من می‌گویم که پاسخ این سوال برای زن هنری بله و برای زن ایرانی به‌طور کلی خیر است و هنوز انفعال را در آن‌ها می‌بینم. با این حال زنان هنری در این دهه خیلی رشد کردند، یعنی بام و قله‌ای نبود که آن‌ها فتح نکرده باشند!

فعالیت صنفی زنان در وزارت ارشاد، خانه‌ی سینما، اداره‌ی تئاتر و... را در چند سال اخیر چطور می‌بینید؟ چقدر این نقش تاثیر گذار شده و چقدر جای کار دارد؟ نقاط منفی و ضعفش کجاست؟

بیشتر فعالیت‌های صنفی در حال حاضر در دست زنان است اما این دلیل نمی‌شود که برای من زن هم تسهیلاتی فراهم کرده باشند. منظورم این است که چون دست زن‌هاست دلیل نمی‌شود که به سود زنان عمل کرده باشند. باز هم تاکید می‌کنم که این مساله دلیل نمی‌شود تا وضعیت من بهتر شده باشد چون آقایان هیچوقت بر ضد من نبودند. اتفاقاً دهه‌ی هشتاد که آقایان بودند بعضی از قانون‌های صنفی ما خیلی توجیه‌پذیر تر بود. من در انجمن فیلم‌نامه‌نویسان، نمايشنامه‌نویسان و منتقدان عضو بودم اما در حال حاضر که به دست خانم‌ها افتاده گاهی اوقات واقعا قوانین سر در نمی‌آورم و گیج می‌شوم! نمی‌گویم تقصیر خانم‌هاست، حرف من این است که شاید هنوز زود است برای اینکه خانم‌ها هم در مدیریت‌های صنفی به ثبات برسند و هنوز با آزمون و خطا جلو می‌روند. اصولاً زن مدیر کم تربیت شده است، یعنی تربیت فرزند خیلی از خانواده‌ها آنطور نبوده که زن را برای مدیریت در جامعه آماده کنند. مسائل صنفی مدیریت خوب می‌خواهد و گاهی اوقات خانم‌ها واقعا کم می‌آورند، به این دلیل که تحت تاثیر عواطفشان مدیریت درستی انجام نمی‌دهند. خیلی از خانم‌ها در حال حاضر در صنف‌ها مشغول به کار هستند اما این دلیل نمی‌شود تا بگویم صنف‌های ما به دلیل آمدن خانم‌ها رشد کرده‌اند. ما مدیر کارآمد می‌خواهیم که می‌تواند مرد هم باشد اما به فکر زنان باشد. مثالی که من همیشه می‌زنم این است: بهرام بیضایی آنقدر راجع به زنان خوب نوشته که هیچ زنی هنوز ننوشته است. خیلی وقت‌ها مردها مدیر بوده‌اند و همه چیز با نظم بیشتری جلو رفته است، یعنی می‌گویم که این مساله زنانه و مردانه ندارد. اگر بخواهیم بگویم که زن‌ها در خلاقیت رشد کرده‌اند یا خیر بله خیلی جلو رفته‌اند اما در مدیریت گاهی اوقات اشتباهات فاحشی می‌کنند چرا که هیچانی

می‌کردم یعنی وزارت ارشاد، تئاتر، سینما، کتاب و تلویزیون و بیشتر از من می‌دانستند ولی الان مدیرانی خیلی جوان بودند و می‌بینید که برای برنامه «هفت» و با برنامه عادل فردوسی پور چه اتفاقی افتاد.

این راهم بگویم که انتخاب شخصی من چرخش از سمت تئاتر به سمت ادبیات داستانی، فیلم‌نامه و تدریس بود. خودم این را خواستم به این دلیل که دیدم جوان‌های خیلی کم‌سال به تئاتر آمده‌اند و خوب هم کار می‌کنند. من بیست و پنج سال از عمرم را تئاتر کار کردم و حالا خسته هستم. پس تصمیم گرفتم رمان بیشتری بنویسم، شعر بیشتری بگویم و چند کتاب شعر در این دهه چاپ کردم که آن‌ها هم مدیون استاد قیصر امین پور هستم که شاگرد ایشان بودم. مبادا این معنی پیش بیاید که من با تئاتر فخر کرده‌ام، خیر اینطور نیست. فکر می‌کنم در حال حاضر باید سوادم را به نسل جدید انتقال دهم. من رمان‌نویس، نمايشنامه‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس هستم و خودم تصمیم دارم که در مراحل اجرایی بیشتر دانشم را انتقال دهم و تدریس کنم. در واقع می‌خواهم این پیش نیاید که بگویند چیستا یثربی در تئاتر کم‌کار شده، خیر این یک انتخاب شخصی بوده است. من در حال حاضر خیلی بیشتر از سابق نمايشنامه می‌نویسم اما در کارگردانی کم‌کارتر شده‌ام. وقتی دختران جوان را مشاهده می‌کنم که با این انرژی کار می‌کنند می‌بینم که انرژی رمان‌نویسی‌ام بیشتر است. این نکته را هم اضافه کنم که در هیچ دهه‌ای به اندازه دهه نودم مدیران ارشاد عوض نشدند؛ یعنی ما تا می‌آمدیم به یک نفر عادت کنیم یک نفر دیگر آمد اما این‌ها مانع نشد. دختران فعال در عرصه‌ی تئاتر بزرگ شدند و یکی از آن‌ها دختر خود من بود. الان عرصه برای آن‌هاست و تنها کاری که ما می‌توانیم انجام دهیم این است که به آن‌ها یاد بدهیم.

فعالیت اجتماعی هنرمندان زن را چطور می‌بینید؟ آیا زنان در دهه‌ی نود و در حال حاضر توانسته‌اند برای احقاق حقوق زنان جامعه قدمی بردارند و به نسبت قبل فعالیت در دست و ثمر بخشی داشته باشند یا اینکه همچنان منفعل هستند و خیلی به نقش اجتماعی خودشان در جامعه توجهی ندارند؟

شماره‌ی سینما، تئاتر و هنر می‌پرسید و نه هر شغلی اما در زمینه‌های دیگر رشد بیشتر بوده است. من یک آماری دیدم که نشان می‌داد زنان پزشک، زنان مدیر گروه دانشگاه‌ها و زنان سردبیر رادیو، تلویزیون و مطبوعات خیلی زیاد شده‌اند. اگر زنی که مورد بحث ما است فقط زنی از قشر هنری و فرهیخته باشد جواب شما بله است. از موقعیت‌ها استفاده کردند و خیلی از آن‌ها ارتقای درجه یافتند اما اگر زن ایرانی را مادرانمان، کسانی که در خانه هستند، کسانی که بچه تربیت کرده‌اند و شغل بیرون نداشته‌اند